

حرمت رانت در فقه شیعه^۱

محمد حسین رضایی

فارغ التحصیل سطح چهار مجتمع آموزش عالی فقه

احمد احمدی تبار

استاد درس خارج حوزه علمیه قم

چکیده

رانت خواری و کسب ثروت‌های بادآورده در سایه این پدیده، بر دیگر فسادهای اداری نقش مادر را ایفا می‌کند. رانت اعم از رانت‌های اقتصادی، اطلاعاتی، سیاسی، قضایی و مانند آن هیچ‌گونه ارتباطی با شایستگی‌های ذاتی و استعدادهای فردی ندارد و از مصادیق و نمونه‌های فساد اداری در بدنه اجرایی حکومت‌ها به شمار می‌آید. در اسلام سوء استفاده از موقعیت و قدرت، به شدت نکوهش شده است؛ زیرا ویژه‌طلبی خلاف فطرت انسانی و عدالت اجتماعی است. استفاده و بهره‌مندی نابرابر مسئولان حکومتی از اموال و امکانات عمومی، آثار سوء و پیامدهای مخربی از جمله انحصار و انباشت ثروت، ایجاد فقر و پیدایش اختلاف معیشتی، ضعف اقتصادی و ناکارآمدی نظام اجرایی، اشرافی‌گری، تضعیف روح معنویت و اضمحلال و تباهی برای حکومت و اجتماع اسلامی را در پی دارد. اصطلاح رانت‌خواری در منابع فقهی اگرچه در معنای مورد نظر بحث نشده است، ولی تحت عناوین کلی دیگر نظیر لزوم عدالت و نفی تبعیض، حرمت ظلم بر عباد، اکل مال به باطل و تصرف غیرمشروع در بیت‌المال مورد اشاره قرار گرفته است. در اسلام حرمت هرگونه رانت و کسب منافع مادی یا غیر مادی خارج از چارچوب شرع و قانون، از باب ظلم بر عباد، اکل مال به باطل، تبعیض، لزوم رعایت انصاف، اعانه بر اثم و حرمت پارتی‌بازی، روشن و واضح است. تصرف در اموالی که با رانت به دست می‌آید علاوه بر حرمت، ضمانت شرعی نیز دارد.

واژگان کلیدی: رانت، عدالت، ظلم بر عباد، اکل مال به باطل، فساد، سوء استفاده، تبعیض،

بیت المال.

مقدمه

رانت یکی از گونه‌های فساد است که دامن‌گیر جوامع امروزی شده و در نابودی حکومت‌ها روند رو به رشد داشته است. رانت در مرحله نخست بعد اقتصادی دارد اما به تدریج به سایر حوزه‌ها از جمله سیاست نیز سرایت می‌کند؛ بنابراین رانت، صرفاً پدیده فساد اقتصادی نیست؛ بلکه فسادی اجتماعی است که از اصلی‌ترین ریشه‌های آن، فساد اقتصادی است. می‌شود گفت رانت نوع تخلف و سوء استفاده اداری است که توسط افراد صورت می‌گیرد، اگر چه ممکن است در مقایسه با جرایم و گناهان دیگر نظیر قتل و سرقت، باعث رعب و وحشت نشود، اما به لحاظ تأثیرگذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف جامعه در سطح عمومی بیش از خطاهای دیگر، باید مورد ملاحظه و توجه قرار گیرد. به تعبیر دیگر، بارزترین نشانه انحراف دولت «به معنای عام» و جامعه از قانون است. اگر در خانواده دولت میزان فساد و سوء استفاده در قالب رانت و یا هر نوع فساد اداری دیگر زیاد شود، جامعه با یک فاجعه واقعی روبه‌رو خواهد بود؛ زیرا براساس قاعده کارکنان دولت شاخص‌ترین افراد محسوب می‌گردد. بروز تخلف و انحراف در این قشر، مشکلی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت. در گذشته فرض بر این بود که کارمند دولت بیش از کارمند بخش خصوصی به مصالح اجتماعی پایبند است، اما با کمال تأسف امروز در اکثر کشورها تجربه نشان می‌دهد که فساد در بخش دولتی، گسترش بیشتری دارد. به همین دلیل در این سال‌ها در کشورهای جهان سوم، خصوصی‌سازی رونق بیشتری گرفته است. آنچه مسلم است این است که سوء استفاده و فساد اداری تنها ویژگی نظام‌های استبدادی و سنتی نیست، بلکه در بیشتر نظام‌های اقتدارگرا و دیکتاتوری و حتی در بعضی دموکراسی‌های صنعتی، نیز دیده می‌شود. با وجود این، شکل‌های اداری، عمق و دامنه آن و مجاری که از طریق آنها اعمال می‌شود تابع ویژگی‌های اساسی نظام سیاسی است. از این رو، می‌توان فساد اداری و رانت را در اغلب حکومت‌ها و دوره‌های تاریخی چنین کشورها مشاهده کرد.

باید توجه داشت که فساد و سوء استفاده از هر نوعی که باشد می‌تواند از حاکمان یک کشور به مردم آن سرایت کند و به عنوان هنجاری اجتماعی رواج یافته و نهادینه شود. به طوری که کارمندان دولتی وقت می‌بینند حاکمان غرق در انواع فساد اقتصادی، اجتماعی و... هستند، به فکر سوء استفاده از موقعیت اداری خود می‌افتند. در کشورهای صنعتی فساد بیشتر در

رده‌های بالای جامعه متمرکز است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه با کمال تأسف، فساد تمام زیر و بم جامعه را در بر گرفته است.

پدیده‌ی رانت اگرچه دارای گستره وسیع بوده و مباحث دقیقی دارد، اما آنچه در این نوشتار به دنبال اثبات آن هستیم، حرمت رانت در فقه شیعه است که با توجه به آیات، روایات و نظریات فقهای شیعه به آن پرداخته خواهد شد و مباحث دیگر که پیرامون این موضوع انجام می‌گیرند، جهت تبیین و تفهیم موضوع خواهد بود.

۱. مفهوم رانت

مفهوم‌شناسی نخستین گام در بررسی هر موضوع است، زیرا اگر تصویر درست و واقعی از مفهوم و معنای یک موضوع نداشته باشیم، در مسیر جستجو و بررسی به بیراهه می‌رویم و هر قدمی که برداشته شود، از هدف دورتر می‌شویم.

رانت و رانت‌خواری از واژگانی وارداتی هستند که به نظر می‌رسد در چارچوب نظام اجتماعی و حقوقی می‌تواند توسعه مفهومی داشته باشد؛ از این رو اسم برای امتیاز ویژه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است که به ناحق، به شخص و یا مؤسسه داده می‌شود (صدری، ۱۳۷۴: ۲). کلمه رانت از واژه Rent که ریشه لاتینی دارد، گرفته شده است و به معنای بهره مالکانه، مبلغ کرایه و اجاره‌بها و کرایه دادن یا اجاره دادن آمده است (صبوری، ۱۳۷۷: ۲۹۸). برخورداری از موقعیت‌های برتر برای به دست آوردن، ثروت حاصل از کار غیر تولیدی و باد آورده (انوری، ۱۳۸۲: ۱۱۱۶). بر اساس آنچه در مبدأ و تاریخ این واژه گفته شده است: در دوره فتووالی، مالکان زمین، اجاره زمین‌های کشاورزی خود را بر اساس حاصلخیزی زمین و کیفیت محصول تعیین می‌کردند، ولی خود صاحبان زمین در بالا بردن کیفیت آن نقشی نداشتند. از همان ایام، کلمه «رانت» وارد اقتصاد گردیده است (قاسم‌پور، وب سایت: شهریور ۱۳۹۴).

رانت به طور مشخص عبارت است از تلاش برای کسب منفعت از موقعیت تنها تولید کننده یا تنها توزیع کننده بودن یک کالا و یا خدمت. استفاده از موقعیت‌های مخصوص، به ویژه انحصاری به منظور کسب درآمدهای نامتعارف و اصطلاح محترمانه‌ای برای غارت اموال عمومی. همان مازاد و سود غیر تولیدی است که به دنبال کمیابی‌های طبیعی یا ساختگی فراهم می‌گردد، به نحوی که بیش از مقدار نیاز یک عامل تولیدی به دست می‌آید که اگر این مقدار مازاد، نیز از عامل تولید گرفته شود، ممکن است هنوز هم انگیزه فعالیت و تولید وجود

داشته باشد. این سود غیر تولیدی، خارج از فرایند تولید اقتصادی است که مستلزم به مخاطره گذاشتن سرمایه و کوشش فردی می‌گردد و در نتیجه، بهبود فرایند مدیریت، خلاقیت و نوآوری، افزایش بهره‌وری و کارایی سازمانی حاصل نمی‌شود (حاج‌یوسفی، ۱۳۷۸: ۳۸).

۲. انواع رانت

الف: رانت اقتصادی

این واژه در اقتصاد در رابطه با هزینه و فرصت از دست‌رفته، تعریف می‌گردد که به منظور حداکثرسازی درآمد، عامل تولید جذب فعالیتی می‌شود، تابتواند از آن بیشترین درآمد را داشته باشد (مدیری، ۱۳۷۳: ۴۳). در بازار رقابتی کامل، رانت اقتصادی وجود ندارد، در واقع ارزش آن برابر با صفر است، زیرا هرگاه که درآمد کنونی عامل تولید بیشتر از حداقل درآمدی باشد که می‌بایست به آن پرداخت، تا آن را به فعالیت مزبور جذب کرد و در آن ننگه داشت، آن‌گاه عوامل تولیدی بیشتری وارد بازار مزبور خواهند شد. این امر موجب افت درآمد عامل تولید خواهد شد و آن قدر ادامه پیدا خواهد کرد تا رانت اقتصادی از بین برود. در واقع پدیده رانت اقتصادی را می‌توان تعمیم داد و در مورد هر کالا و بازاری به کار برد که با میزان قدرت بازار کالا رابطه مستقیم دارد و از آن می‌توان به عنوان شاخصی برای اندازه‌گیری «قدرت بازار» یا شدت انحصاری بودن بازار استفاده کرد (روزنامه دنیایی اقتصاد، ۱۳۹۵/۵/۲۰: شماره ۳۸۳۴؛ سبزواری، ۱۳۸۸: ۶۴). چنین امری بدون شک در نزد عرف کاری ناشایست و باطل است و می‌تواند مصداق ظلم بر مردم باشد که در منابع دینی و فقهی مشمول نهی قرار گرفته است.

حرمت رانت در
فقه شیعه

ب: رانت اطلاعاتی

رانت اطلاعاتی یعنی دسترسی به اطلاعات دارای ارزش اقتصادی یا سیاسی در زمان خاص و سوء استفاده از آن برای مقاصد شخصی (مرآت‌نیا، ۱۳۷۹: ۱/۴۱). صاحبان اطلاعات در هر نهاد تأثیرگذار بر امور اقتصادی و اجتماعی، به طور کلی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردند که دیگران از آن محروم‌اند و پیش از آنکه این اطلاعات در دسترس عموم قرار گیرد، از فرصت‌های اقتصادی سودهای کلان برده و از حوزه‌هایی که در آینده زیان‌آور خواهد بود، خارج می‌شوند. در واقع وجود چنین پدیده ناصواب، سبب از بین رفتن اصل برابری فرصت‌ها شده و این امر به بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی می‌افزاید؛ لذا این اصطلاح جایی اطلاق می‌گردد که شخص به وسیله کسب اطلاعات سری که بقیه از آن محروم

هستند، در مناقصه‌ها و مزایده‌ها بدون ریسک و رقابتی سالم، برنده شود و یا قبل از اجرای پروژه‌ها به خرید املاک و اqlام از بقیه افراد به قیمت ناچیز اقدام کند. عده‌ای از طریق دستیابی زودرس به اطلاعات گوناگون در زمینه تغییرات قوانین، مقررات و سرمایه‌گذاری، سودهای کلانی را می‌برند، این امر باعث می‌شود رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه شکل بگیرد. افراد و صاحبان سرمایه را به طرف فعالیت‌های اقتصادی ناسالم و کاذب سوق دهد. در نتیجه حجم عظیمی از سرمایه‌های سرگردان هر کشور از بخش توسعه اقتصادی و عمرانی خارج گردد. به عنوان مثال از طریق رانت اطلاعاتی ممکن است یک یا چند نفر با زد و بندهای خاص، زودتر از دیگران از حساب سود و زیان فلان شرکت در بازار بورس اوراق بهادار مطلع شده و فوراً با سیاست‌های مناسب یا نامطلوب جلوه دادن وضع مالی آن شرکت، خریدار سهام تنزل یافته شوند و بعد از تصاحب سهام درباره وضع درخشان شرکت مذکور مجدداً تبلیغ کرده و سبب افزایش قیمت شوند و سهام خریداری شده را با قیمت بسیار بالا بفروشند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸/۵: کدخبر ۸۰۸۷۶۴۵۳ و فصلنامه دانش انتظامی گلستان: ۴، سال پنجم، شماره چهارم، صادقیان، رانت‌خواران در کمین فرصت‌های انحصاری، کیهان: ۱۳۷۹/۵/۱۶).

ج: رانت سیاسی

رانت سیاسی در جایی اطلاق می‌شود که اشخاص با زد و بند و پارتی‌بازی، پست و مقام کلیدی یا حزبی را تصاحب می‌کنند و از این طریق از امتیازات ویژه آن مقام و پست سود می‌برند (جمعی از نویسندگان، مؤسسه تدبیر اقتصاد، فساد مالی و اقتصادی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). این نوع رانت، بیشتر در کشورهایی بروز می‌کند که اراده مردم به فراموشی سپرده شده و یا اصلاً مطرح نیست. در واقع اعمال قدرت از طریق عده محدودی بوده و احراز مقام‌ها و مناصب سیاسی معمولاً از طریق وابستگی به قدرت و حاکمیت میسر است (بیابانی، فرهنگ توصیفی علوم جنایی، ۱۳۸۴: ۳۱۴). این در حالی است که گروه‌گرایی، رفیق‌بازی و قوم‌پروری زمینه رشد را محدود کرده و حاکمیت نسبت‌سالاری و وابستگی حزبی و سیاسی جایگزین آن می‌گردد. پیامد این روند نیز انزوای طلبی شایستگان، خروج مغزها و توقف پیشرفت امور در جهت تأمین منافع عمومی است (همان).

د: رانت قضایی

رانت قضایی عبارت است از پاسخ‌گو نبودن مسئولان دولتی در مقابل نهادهای ذی‌صلاح قضایی و تنبیهی. برقراری ارتباط نزدیک برخی صاحبان ثروت در بخش خصوصی با بخش قضایی، باعث می‌شود تا از امتیاز پاسخ‌گو نبودن در برابر قانون بهره‌گیرند و به فعالیت‌های غیر قانونی و برخلاف مصلحت اجتماعی دست بزنند و به نفع خویش از آن بهره‌گیرند (سلیمی، راهبردها و راهکارهای جهاد اقتصادی، ۱۳۹۵: ۵۹؛ بیابانی، فرهنگ توصیفی علوم جنایی، ۱۳۸۴: ۳۱۴). این نوع رانت معمولاً در جایی اطلاق می‌شود که اشخاص به واسطه آن از بدهکاری، یا انجام تعهدات مالی معاف و یا تبرئه می‌گردد. طبق قاعده و دلیل که بیان خواهد شد، هم تصرف در اموال کسب شده مجاز نیست و هم حکم از طرف قاضی نافذ نخواهد بود. متأسفانه در جهان سوم نهادهای دولتی، گرفتاری چنین رانتی هستند، زیرا وقت منافع مردم با چنین نهادهای اصطکاک پیدا می‌کند، آن چه خدشه‌دار می‌گردد، منافع مردم است (یوسفی نژاد، ۱۳۸۵: ۶۴/ ۱۵۳) در حالی که اصل عدالت، شریعت و قانون حکم می‌کند که در برابر تخلف صورت گرفته، مجازات باید یکسان باشد.

حرمت رانت در

فقه شیعه

۳. ادله حرمت رانت

الف: ظلم بر مردم

باتوجه به موضوع مقاله که حرمت رانت در فقه شیعه است، این بحث از مباحث اصلی به شمار می‌رود که با بهره‌گیری از آیات، روایات و نظریات فقهای شیعه به آن پرداخته خواهد شد. در آیات و روایات اگرچه بحثی که در حرمت رانت خوری صراحت داشته باشد، وجود ندارد؛ اما عناوین (ظلم، اکل مال به باطل، اعانه بر ظلم، فساد و پارتی‌بازی) وجود دارد و حرمت آنها بیان شده است. هرکدام می‌توانند از پیامدها و لوازم رانت خواری باشد، لذا اگر چیزی به عنوان مقدمه و سبب حرام محسوب شود، حرام خواهد بود.

حرمت رانت از باب ظلم بر عباد و مصادیق آن قابل اثبات و واضح است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌گوید: خداوند به عدل و احسان امر می‌کند. ایشان در توضیح عدالت آن را به عدالت فردی و اجتماعی، تقسیم می‌کند. سپس می‌گوید: با آنکه لفظ عدالت مطلق است و ظاهر سیاق آیه

این است که عدالت شامل هر دو قسم می‌شود، عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هر یک از افراد جامعه، طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد از مکلفین مأمور به انجام آن هستند؛ به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را رعایت کند. لازمه این سخن آن است که امر به همه مجموعه تعلق می‌گیرد؛ پس هم افراد مأمور به اقامه این حکم هستند و هم جامعه که حکومت، عهده دار زمام آن است. وی در جای دیگر پس از تعریف لفظ عدالت به میانه‌روی و اجتناب از دو سوی افراط و تفریط در هر امری، می‌گوید: عدالت بر مردم و بین مردم این است هرکس را در جای خودش که به حکم عقل و یا شرع و یا عرف مستحق آن است، قرار دهند؛ نیکوکار را به خاطر احسان و بدکار را به جهت گنااهش عقاب نمایند؛ حق مظلوم را از ظالم بستانند و در اجرای قانون، هیچ تبعیضی نباشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۱/۱۲).

واژه عدالت در اینجا، مقابل تبعیض به کار رفته است. البته مراد علامه از تبعیض، قطعاً تبعیض میان واجدین شرایط است، نه تبعیض میان همه افراد؛ زیرا ممکن است تبعیض در بعضی موارد، عین عدالت باشد؛ مثلاً اگر میان دو نفر که یکی در حرفه‌ای مهارت خاص دارد و دیگری آن مهارت را ندارد و در حال یادگیری است، عدالت در پرداخت دستمزد، تساوی نیست بلکه باید به فرد اول دستمزد بیشتر و به شخص دوم دستمزد کمتری داده شود. این تبعیض، عین عدالت خواهد بود و این مؤید همان ادعایی است که بیان گردید. پس هنگامی که به عدالت امر می‌شود، از آنجا که تبعیض ظلم است و ظلم یعنی ترک عدالت، بنابراین، تبعیض ضد عام مأمور به محسوب گردیده و بنا بر اعتقاد بسیاری از اصولیان مانند شیخ انصاری، صاحب معالم و مرحوم مظفر و... امر به شی مقتضی نهی از ضدمی باشد و چون امر به عدالت عام بوده و شامل هر عرصه‌ای می‌شود؛ بنابراین تبعیض در فرصت‌های اقتصادی ضد عموم مأمور به بوده و منهی عنه خواهد بود.

ممنوعیت و حرمت ظلم از نظر عقل و شرع واضح و از بدیهیات است و اثبات آن نیاز به بحث ندارد و به قول فقها تمام ادله اربعه حرمت آن را ثابت می‌کند، زیرا قبح عقلی آن واضح و از بدیهیات عقلیه است و دستورات دینی هم در ذم آن رسا و گویا است، هر جا ظلم تحقق پیدا کند حرمت در پی آن خواهد بود (زنجان، کتاب نکاح، ۱۳۷۷: ۶۲).

در آیه دیگر قرآن خداوند می‌فرماید: «فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ» (زمر: ۳۲)؛ پس کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغ می‌بندد و سخن راستی را که بر او آمده است، تکذیب می‌کند. آیا کافران را در جهنم جایگاهی نیست؟ و در جمله أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ مَثْوًى اسم مکان و به معنای منزل و محل اقامت است و استفهام آن تقریری بوده و به این معنا است که در جهنم جا برای این ستمکاران هست، به خاطر تکبری که در برابر حق کردند، و همین تکبر باعث شد بر خدا افترا ببندند و خبرهای صادق را که رسول آورده بود تکذیب کنند (موسوی همدانی، ۱۳۹۸: ۱۷/۳۹۴). سخت‌ترین مراحل حساب در قیامت، رسیدگی به مظالم عباد و حقوق مردم نسبت به یکدیگر است. بدون شک رانت‌خواری می‌تواند از مصادیق واضح و روشن ظلم بر دیگران محسوب گردد. تمام انسان‌هایی که با همدیگر زندگی می‌کنند نسبت به یکدیگر حقوقی دارند. رعایت حقوق دیگران وظیفه الهی، عقلی و عرفی است که انبیای الهی درباره آن تأکید فراوان داشته‌اند و در قیامت حتماً بازخواست خواهند شد، لذا در روز حساب ظلمی که خدا آن را واکند

نمی‌گذارد، حَقَّ النَّاسِ است که از یکدیگر می‌طلبند (اردکانی، ۱۳۸۴: ۴/۲۱۴)

حرمت رانت در

فقه شیعه

تا اینجا با توجه به آیات، روایات، عقل و عرف کبرای مسئله که حرمت ظلم است بیان گردید، اما باید اثبات شود که آیا رانت و رانت‌خواری از مصادیق ظلم محسوب می‌شود یا خیر؟ برای اینکه موضوع وضوح بیشتری پیدا کند، می‌پردازیم به تطبیق اقسام رانت بر ظلم. ادعای ما این است که ظلم می‌تواند بر بحث رانت‌خواری و ویژه‌خواری منطبق گردد، زیرا ظلم عبارت است از وضع الشئ فی غیر محله (ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، ۱۴۱۰: ۱۲/۳۷۳)؛ «وَالظُّلْمُ عِنْدَ أَهْلِ اللِّغَةِ وَكَثِيرٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ: وَضَعُ الشَّيْءِ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ الْمُخْتَصِّ بِهِ، إِمَّا بِنَقْصَانِ أَوْ بِزِيَادَةٍ، وَإِمَّا بَعْدُولِ عَنِ وَقْتِهِ أَوْ مَكَانِهِ...» (مصطفوی، ۱۳۹۶: ۱۷/۱۷) قرار گرفتن اشیا و اطلاعات و افراد در محل و جایی که اختصاصی به آنها ندارد شد، رانت‌خواری از مصادیق واضح آن محسوب می‌گردد. در بیان اقسام رانت گذشت که گاهی در باب مناقصه‌ها و مزایده‌ها افراد زیادی شرکت می‌کنند، ولی در شرایط کاملاً مساوی به یک گروه یا افراد خاص واگذار می‌گردد، یا تبعیض در اعطای وام‌های اشتغال و... یا استفاده از رانت قضایی برای تیره کردن مجرم، یا واگذاری شرکت‌ها و زمین‌ها و اطلاعات به افراد یا یک فرد خاص در حالی که قانون این بوده که هرکس اولویت قانونی بیشتری داشته باشد، یا شرایط بهتری داشته باشد یا یکی از مرجحات عرفی یا قانونی را داشته باشد مقدم گردد و این اولاً

تضمین حقوق بقیه افرادی است که با وجود شرایط قانونی و مرحجات از آن بی بهره بوده‌اند و هم تصرف بی جا و ناحق در اموال و حقوق بیت المال یا حقوق و اموال عمومی است و این همان نکته‌ای است که در تعریف ظلم آمده بود «الظُّلْمُ، بِالضَّمِّ: التَّصَرُّفُ فِي مَلِكِ الْغَيْرِ وَ مُجَاوَزَةُ الْحَدِّ...».

در نتیجه نه فقط برای کسی که از رانت استفاده می‌کند و به سرمایه‌ای آن چنانی می‌رسد از باب ظلم و تصرف در مال غیر و تجاوز به حدود دیگران، تصرف در آن مال حرام، ممنوع و باطل است، بلکه برای کسانی که احیاناً رانت را در اختیار چنین افرادی قرار می‌دهد تا از آن استفاده کنند نیز از باب تعاون بر اثم، حرام است، زیرا هر دو مصداق و یا اعانه بر ظلم است، از این باب هر دو مشمول حکم حرمت ظلم می‌گردد و مصداقی از عنوان عام ظلم می‌باشد در نتیجه حکم حرمت ممنوعیت شامل آن می‌گردد.

۱- حرمت ظلم از باب تبعیض

یکی از مصداق ظلم تبعیض نا به جا است. در رابطه با حرمت امتیاز نا به جا و تبعیض، اکثر فقهاء از جمله فقیه و مرجع معاصر حضرت آیت الله مکارم شیرازی «حفظه الله» می‌گویند: «رانت خواری یعنی قائل شدن امتیازات ویژه برای اشخاص خاصی. طبق آیات قرآن، این کار ممنوع و حرام است. مسئولین دولتی، حق ندارند برای اشخاص خاصی امتیازات ویژه قائل شوند. ایشان با استناد به آیه ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْن أُمْتَعِكُنَّ وَ أُسْرِحْكِنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً»، چنین عنوان می‌کند: بعد از جنگ بنی قریظه غنائمی به دست مسلمانان افتاد و برخی از همسران پیامبر تصور کردند که می‌توانند برای خود سهم ویژه‌ای داشته باشند؛ بعد از کناره گیری و دوری حضرت رسول از همسران خود، آیه بر پیامبر نازل شد که «به همسران خود بگو بر سر دو راهی هستید و اگر زندگی تجملاتی می‌خواهید من شما را طلاق می‌دهم و به دنبال کارتان بروید، اما اگر می‌خواهید خدمت خدا و پیامبر باشید باید با زندگانی ساده بسازید و انتظاری از این غنائم برای تجمل نداشته باشید».

ایشان با بیان این که این آیات پیام‌های بسیاری دارد، ممنوعیت رانت خواری در اسلام را از جمله این پیام‌ها دانسته و با بیان این که رانت خواری قائل شدن امتیازات ویژه برای افراد مورد

نظر است، تصریح کردند: به عنوان مثال اگر ارز مبادلاتی در اختیار برخی افراد قرار گیرد و با این ارز جنس وارد کشور و به قیمت ارز آزاد فروخته شود، این مصداق رانت خواری است. ایشان معتقد است که در مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی و دستگاه‌های مختلف اجرایی نیز امکان رانت خواری وجود دارد که باید در این جهت مراقبت و دقت کرد، تا امکان رانت خواری پیش نیاید. ایشان با حرام دانستن رانت خواری فرمودند: ما نظر به شخص خاصی نداریم و بر اساس آیات قرآن کلیات را بیان می‌کنیم، اگر می‌خواهند افرادی به مسافرت خارجی بروند، چنانچه نزدیکان خود را با پول بیت المال به خارج از کشور ببرند مصداق امتیازات ویژه، رانت خواری و حرام است (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم، سلسله نشست های تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۱۳۹۲/۰۴/۲۴. <http://makarem.ir/main>).

۲- حرمت ظلم از باب عدم رعایت انصاف در حق مردم

یکی دیگر از مصادیق ظلم بر عباد عدم رعایت انصاف در حق دیگران است. مقام معظم رهبری «حفظه‌الله» بیان کامل وزیبایی دارد که هم از نظر اخلاقی و هم از نظر حکم فقهی می‌تواند راهگشا باشد. ایشان با بهره‌گیری از عهد نامه امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر می‌فرمایند: «انصف الله و انصف الناس من نفسک و من خاصة اهلک و من لک فیه هوی من رعیتک»؛ یعنی درباره خودت، دوستان، خویشاوندان و رفقای خودت، در قبال مردم و خدا رعایت انصاف کن؛ همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی ما به آن «رانت خواری» می‌گویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت این که اینها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند.

این کار جزو کارهای ضد مردم‌سالاری است. باید با این فسادها مبارزه شود. برادران و خواهران عزیز! تا این فسادها در مجموعه کارگزاران کشور وجود داشته باشد، توانایی کار وجود نخواهد داشت و پیشرفت امکان ندارد. اینها شکاف‌ها و دره‌ها و حفره‌هایی است که وقتی به وجود آمد، هرچه شما دستاورد داشته باشید و در آن بریزید، آنها را پُر نمی‌کند؛ دستاورد هم از بین می‌رود. لذا اول باید اینها را علاج کرد. این فرمایش امیرالمؤمنین است: «من لک فیه هوی من رعیتک»؛ به آدم‌هایی که دوستشان داری، نباید امتیاز ویژه بدهی؛ امتیازی که هست، باید در اختیار همه قرار گیرد. مثلاً اگر بناست قرعه‌کشی شود، اگر بناست سقف باشد، نباید برای کسی امتیازی وجود داشته باشد «و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی

حرمت رانت در
فقه شیعه

العدل و اجمعها لرضی الرعیة»؛ دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آنها هرچه وسیع‌تر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. دنبال این نباش که رضایت گروه‌های خاص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را به دست آوری. من و شما مخاطب این خطاییم. الان شما اگر وزیرید، اگر نماینده‌اید، اگر از مسئولان مربوط به نیروهای مسلح هستید، اگر مربوط به رهبری هستید، اگر مربوط به قوه قضائیه هستید، هر جا هستید، باید توجه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد که اینها در این فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌السلام به «خاصه» تعبیر شده است. بعد می‌فرماید: «فانّ سخط العامة یجحف برضی الخاصة»؛ اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، ناراضی‌تری مردم این گروه‌های خشنودشده خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد. «و انّ سخط الخاصة یغتفر مع رضی العامة»؛ اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آنها کار کردید، بگذار اینها ناراضی باشند. «یغتفر»؛ این ناراضی‌تی بخشوده است. (برگرفته از ازیانات معظم له در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

حضرت آیت الله مکارم می‌گوید: «در حال حاضر که بسیاری از کارها در اجتماع به صورت صف و قرار گرفتن، در نوبت انجام می‌شود این امر یک حق عقلایی محسوب می‌گردد و به تعبیر دیگر، از بین بردن آن نوعی ظلم به حساب می‌آید و مشمول ادله حرمت ظلم و تعدی بر حقوق مردم است و می‌دانیم که در همه جا احکام از شرع گرفته می‌شود و موضوعات از عرف، جز در موضوعات مخترعه. آری در مواردی که در عرف عقلا استثنا می‌شود، مثل یک بیمار اورژانسی در مطب دکتر و مانند آن، اشکالی ندارد» (مکارم شیرازی، احکام پزشکی، ۱۳۸۷: ۲۳۹). بنابراین دور زدن قوانین و نادیده گرفتن آن و نیز پایمال کردن حق دیگران و نادیده گرفتن آن و از بین بردن عدالت و یا مساوات در مواردی که باید رعایت شود، نیز تعدی بیجا، زد و بند، و ویژه‌خواری نسبت به اموال، نفوس، حقوق مردم و پایمال کردن آن، همه از مصادیق ظلم است و این یک معنای کاملاً عرفی و عقلانی است و نیاز به کنکاش و بررسی مفهومی و مصداقی در کتب علمی ندارد، چه رسد به اینکه یک حقیقت شرعی باشد و بخواهیم در روایات و آیات دنبال آن بگردیم.

شهید مصطفی خمینی (ره) در رابطه با قباحت و حرمت ظلم می‌گوید: مؤاخذه اخروی و خشم و غضب الهی دائر مدار ظلم است که در ارتکاب محرمات نهفته، پس هر جا ظلم صادق باشد عقلا و عرفا ممنوعیت دارد و هر جا هم که عقل و عرف به آن تواند برسد، شارع با تحریم آن فعل ظلم بودنش را مشخص کرده است (خمینی، شهیدسید مصطفی، العوائد و الفوائد ۱۳۶۵: ۵۱).

ب: اکل مال به باطل

درآمدی که از رانت به دست می‌آید، با توجه به اینکه هیچ مجرای قانونی و شرعی ندارد، مصداق روشن اکل مال به باطل محسوب می‌گردد. اکل مال به باطل در آیات متعددی قرآن و روایات معصومین مورد نهی قرار گرفته است و چیزی که در منابع دینی مورد نهی باشد، بدون شک انجامش حرمت خواهد داشت. «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...» اموالتان را در بین خود به طریق باطل نخورید؛ مراد در آیه اکل مقابل شرب نیست بلکه مطلق تصرف است، یعنی: لا تتصرفوا فی اموالکم، چنان که متعارف است کسی که در مال دیگری تصرف کند می‌گویند مال او را خورد و مراد از «اموالکم» اموال یک دیگر است، چنانچه «لا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» مقصود این است که یک دیگر را نکشید (طیب سید عبد الحسین، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۴۵).

حرمت رانت در
فقه شیعه

علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: منظور از اکل اموال مردم گرفتن آن و یا مطلق تصرف در آن است که به طور مجاز خوردن مال مردم نامیده می‌شود. مصحح این اطلاق مجازی آن است که خوردن نزدیک‌ترین و قدیمی‌ترین عمل طبیعی است که انسان محتاج به انجام آن است، آدمی از اولین روز پیدایش، اولین حاجتی که احساس می‌کند و اولین عملی که بدان مشغول می‌شود تغذیه است، سپس به تدریج، به حوائج دیگر طبیعی خود از قبیل لباس و مسکن و ازدواج پی می‌برد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲/ ۵۱). از جمله آیاتی که می‌تواند دال بر حرمت رانت باشد، همین آیه شریفه است چنانچه به عنوان ادله حرمت در مورد رشوه، ربا و اختلاس نیز مطرح است، از این رو باید گفت: هرگونه تصرف در اموال دیگران از طریق غیر صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی می‌شود، حرام است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، بی تا: ۲/ ۴).

وقتی خداوند در آیه شریفه می‌فرماید اموال خود را در میان خود به باطل نخورید، منظور مطلق تصرفات است؛ یعنی نباید هیچ‌گونه تصرف مالکانه‌ای غیر از آنچه شرع و قانون معین

کرده اند، داشته باشید و تعبیر به اکل بدین خاطر است که عمده تصرفات افراد اکل است. نهی در آیه ارشادی است یعنی تصرف، باطل و غیر صحیح است. واضح است که اکل مال به باطل تصرف در اموال مردم بدون هرگونه وجه شرعی اعم از رشوه، ربا، اختلاس، رانت، معاملات فاسد، ثمن اشیای محرمه مثل خمر، قمار، اجرت بر اعمال محرمه، بیع آلات لهو، ظلم و غیر اینها که فقهاء در مباحث مکاسب محرمه مفصلاً از آنها بحث کرده‌اند، را شامل می‌شود. این آیه شریفه در بردارنده یک کبرا و قاعده کلی است که ممنوعیت تصرف در اموال به نحو غیر مجاز، نافذ نیست و آثار شرعی بر آن مترتب نمی‌گردد، اما باید دید صغرای مسئله، یعنی تشخیص «تصرف باطل» بر عهده چه کسی است؟ شرع، یا عرف؟ تا ببینیم این عنوان باطل بر رانت هم منطبق می‌شود یا خیر؟ منظور از باطل در این آیه شریفه باطل عرفی است نه شرعی، یعنی آنچه عرف و عقلا آن را ناصواب و ناصحیح می‌دانند باطل محسوب می‌گردد.

ظاهر آیه این است که مراد باطل عرفی است، اگرچه شارع در بعضی از موارد از باب حکومت بعضی از اموری که عرفاً باطل نیستند را از مصادیق آیه شمرده است، مثل روایتی که ربا را از مصادیق آیه شمرده است و این روایت دلیل بر این نیست که مراد از آیه، باطل شرعی است و شامل باطل عرفی نمی‌شود. بنابراین از آنجا که «ال» در «بالباطل» موصوله است، نه عهد خارجی، پس اگر چیزی در عصر حاضر عرفاً باطل شمرده شود مثل پولشویی و رانت و... اگر چه در زمان صدور آیه یا بعد از آن عرفاً باطل شمرده نمی‌شده است، می‌تواند مصداق آیه به شمار رود؛ نه تنها در این آیه، بلکه در آیات متعدد قرآن، از خوردن مال به باطل نهی شده است که برخی آنها در مباحث حرمت رشوه مورد بررسی قرار می‌گیرد. آیات ۱۸۸ بقره ۲۹، ۱۶۱، ۳۰ نساء و ۳۴ توبه واضح است که رانت نیز می‌تواند یکی از مصادیق بارز اکل مال به باطل باشد.

ج: اعانه بر ظلم

رانت نسبت به کسانی که به طوری مباشر از آن استفاده می‌کنند باتوجه به اینکه می‌دانند مستحق امتیازی که با زد و بند و پارتی‌بازی به دست آورده نیستند، ظلم محسوب می‌گردد و نسبت به کسانی که با سوء استفاده از قدرت و موقعیت، چنین امتیازی را در اختیار دیگری - بدون در نظر گرفتن شایستگی - قرار می‌دهد همکاری با ظلم و معاونت با اثم، محسوب می‌گردد.

اکثر فقها اعانه بر «اثم» و «ظلم» را با استناد به آیه شریفه «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲) حرام می‌دانند و از این آیه حرمت اعانه بر گناه و ظلم را استنباط نموده‌اند. با این استدلال که در آیه، تعاون بر گناه و ظلم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد. گروهی دیگر از علما این آیه را برای این مقصود کافی ندانسته‌اند؛ به دلیل این‌که اولاً این احتمال وجود دارد که مؤدای آیه تعاون حکم تنزیهی باشد که نهی دلالت کننده بر نقصان ثواب عبادت و طلب ترک غیر الزامی است (اصفهانى، محمد حسین: بی‌تا، ۷۰) نه تحریمی، بنابراین، حکم تعاون، کراهت خواهد بود نه حرمت؛ به دلیل اینکه مقابل نکوهش اعانه بر اثم و عدوان، امر به اعانه به تقوا است. چون امر به تقوا امری مستحب است، از این رو وجود این احتمال مانع از اثبات حکم حرمت برای اعانه خواهد بود (منتظری، ۱۴۰۹: ۳۲۷). در ردّ این اشکال گفته‌اند: «قرینه بودن بعضی از جملات آیه مسلم نیست؛ زیرا تناسب کلمه و موضوع برای عقل شهادت می‌دهند که نهی در اینجا برای تحریم است. علاوه بر این، مقارن بودن اثم با عدوان هیچ مجالی را برای حمل بر کراهت باقی نمی‌گذارد؛ چون حرمت ظلم و عدوان ضروری و بدیهی است» (همان: ۳۲۸).

حرمت رانت در

فقه شیعه

افزون بر اینها، چنانچه قسمت اول آیه حمل بر استحباب شود، دلیلی برای حمل نهی بر کراهت برای قسمت دوم آیه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» وجود ندارد؛ زیرا آیه مشتمل بر دو جمله مستقل است که هیچ ارتباطی با هم ندارند (لنکرانی، ۱۳۸۶: ۱/ ۴۴۴). در آیه شریفه به حرمت اعانت بر ظلم و گناه استدلال شده است. با توجه به استدلال متقن که صورت گرفته است، روشن است که نهی در آیه دال بر حرمت است، لذا با اولویت برای ما ثابت می‌شود که اگر اعانه بر ظلم حرام باشد، مباشرت در ظلم و انجام آن حرمتش واضح و بدیهی است. اینکه رانت می‌تواند مصداق اعانه بر ظلم باشد، واضح و غیر قابل انکار است.

هـ: فساد

در روایات آمده که نواهی شرعی زمانی به آثار و درآمدهای یک قرارداد تعلق می‌گیرد، قهراً در این صورت به عنوان قرارداد از آن نهی شده است، بلکه به جهت درآمدی که دارد ممنوع است. معمولاً در این گونه موارد عمل فاسد محسوب می‌شود. مبادلات رانتی نیز مقارن و ملازم با چنین عناوین و پیامدها می‌گردد، چنین تقارن موجب حرمت و بطلان است. شاهد مسئله از جمله روایتی است که در کتاب وسائل الشیعه نقل شده است. اکثر فقهای شیعه در

مکاسب محرّمه از جمله شیخ اعظم انصاری در کتاب مکاسب به آن استناد نموده است. روایت را حسن بن علی بن شعبه از امام صادق^ع نقل می‌کند. در روایت تصریح شده است که «کل امر یكون فيه الفساد مما هو منهي عنه» یعنی اگر انسان کاری کند که آن کار، بازگشت به امر حرام داشته باشد، بیع به این منظور حرام است. از طرف دیگر اگر حرمت در معاملات مساوق با نهی و فساد آن معامله باشد، معامله هم فاسد می‌شود (حر عاملی، ۱۱۰۴: ۱۷/۸۴).

بررسی سندی و دلالتی روایت

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (ره) با آن تبهر رجالی که داشت، درباره ابن شعبه راوی این حدیث، می‌گوید: او معروف به ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی معروف به ابن شعبه است. او محدث، فقیه، رجالی و از شیوخ بزرگ علمای امامیه است. وی در حران یک از روستاهای اطراف شهر حلب در سوریه زاده شد که در آن زمان یکی از شهرهای بزرگ و مهم علمی شام بود. انسان پر آوازه و از چهره‌های درخشان جهان اسلام به ویژه تشیع شد. استاد ایشان ابو علی محمد بن همام بغدادی و از مهم‌ترین و پر فروغ‌ترین شاگردان شیخ مفید بود. علامه مجلسی نیز درباره ایشان می‌گوید: کتاب ایشان - تحف العقول - بهترین شاهد بر فضل و دانش و عظمت شأن ایشان است. از جمله آثار ایشان کتاب شریف *تَحْفُ الْعُقُولِ* فیما جاء من الحکم و الموعظ من آل الرسول و التمیص فی ذکر اخبار ابتلاء المؤمن است. (بروجردی، ترجمه حسینیان قمی و مهدی صبوری، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

علاوه بر تعابیر بلندی که نسبت به مؤلف و تالیف وی شده است در لابلائی متون فقهی، در برخی مواقع مستند برخی فتاوا، روایت و خبری است که فقیه آن را به رغم نقل منفرد از تحف العقول روایتی صحیح‌السند می‌داند. چنان‌که حسینی عاملی در کتاب شریف *مفتاح الكرامة* مهم‌ترین دلیل بر اصل «جواز انتفاع به واسطه اشیاء را» را روایتی از تحف العقول می‌داند (حسینی عاملی، بی‌تا: ۱۲/۴۴). همچنین شیخ مرتضی انصاری نیز در اول کتاب مکاسب خود، حدیث مبسوط معائن العباد را که اساس بسیاری از احکام معاملات است، از کتاب «تحف العقول» روایت کرده و به آن استناد نموده است (انصاری، ۱۳۷۷: ۵/۱ و ۴۳/۲ و ۶۹ و ۱۰/۴). از دیگر بزرگان قائل به اعتبار روایات تحف العقول، حسینی توسرکانی است (رسالة فی الغناء، ۱۲۸۵: ۲۳) و از فقهای متأخر آیت‌الله سبزواری

مهذب الأحكام: ۱۳۸۸: ۱۶/۱۹۸) و آیت الله فاضل لنکرانی (تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - المکاسب المحرمة، ۱۴۲۷: ۱۳-۱۴) هستند که پس از بررسی مفصل شخصیت رجالی حرانی و اعتبار کتاب وی، با تحلیل های دقیق ابن شعبه حرانی را از محدثان جلیل القدر شیعه دانسته و کتاب وی را از کتب حدیثی معتبر و کم نظیر در تاریخ معرفی نمودند.

حرانی انگیزه خود را از نوشتن کتاب تحف العقول چنین بیان می کند: «پس از آنکه دیدم علمای شیعه درباره فقه و حلال و حرام کتاب های فراوانی نگاشته اند بر آن شدم تا مجموعه ای پدید آورم که در آن سخنان حکمت آموز و موعظه های پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت جمع شده باشد تا هم گنجینه ای برای مراجعه خودم و هم مراجعه علاقه مندان به خاندان رسالت گردد» (تحف العقول: ۲) در ادامه می نویسد: من سندها را نیاوردم تا حجم کتاب بزرگ نشود و رعایت اختصار کردم، هرچند که بیشتر این احادیث را به طور سماع گرفته ام و چون بیشتر آنها آداب و حکمت هایی است که خود، گواه درستی و صحت انتساب... لذا ارزش علمی کتاب، کم نشده است. همچنین در قسمت دیگر از مقدمه نیز عبارتی دارد که حاکی از نقل این احادیث از افراد ثقه است. «بل خذوا ما ورد إلیکم عن فرض اللّٰه طاعته علیکم و نقلوا ما نقله الثقات عن السادات بالسمع و الطاعة و الانتهاء إلیه و العمل به» (تحف العقول، ۱۲۶۳: ۴)؛ آنچه را که به تو گزارش شده است از کسی که خداوند به اطاعت او امر کرده است، بگیر و آنچه را که ثقات از مولایش نقل کرده اند، با شنیدن و اطاعت کامل به او منتقل و به آن عمل کن.

اما از نظر دلالت، مسلماً رانت به عنوان ظلم و تعاون بر اثم منهی عنه است و شکی در حرمت آن نیست و اگر کسی در شمول روایت نسبت به فرض اشتراط، تشکیک کند شکی نیست که تبانی متعاقبین بر تحصیل مال نامشروع در ضمن معامله، مشمول این روایت بوده و از معاملات منهی عنه و حرام خواهد بود.

از مجموع لسان و سیاق روایت بر می آید عملی که منتهی به حرام شود و مقصود از آن عمل از ابتدا انجام کار حرام باشد، قهراً آن عمل هم حرام است. امام سجاده فرمود: «مَا أَكَلْتُ بِقَرَابَتِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا قَطُّ»، هیچ گاه به دلیل انتساب به پیامبر خدا چیزی نخوردم و از آبروی آن بزرگوار به سود خود استفاده نکردم (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۶۱/۴). اگرچه روایت

حرمت رانت در
فقه شیعه

امام سجاد* بیشتر می‌تواند ناظر بر جنبه اخلاقی ویژه‌خواری باشد، ولی باتوجه به روایت قبلی می‌توانیم نهی ضمنی را از کلام ایشان برداشت کنیم. بدون شک متعلق نهی امام حرمت است.

و: حرمت پارتی‌بازی و خویشاوندسالاری

رانت نوع پارتی‌بازی و خویشاوندسالاری محسوب می‌گردد. بر اساس فتوای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «زید عزه» اگر موجب ضیاع حق دیگران گردد حرام خواهد بود. ایشان در جواب این سؤال که آیا پارتی‌بازی و رابطه‌بازی برای جذب در یک جایی، یا اداری اشکال دارد؟ چنین پاسخ می‌دهد که در فرض سؤال اگر ایجاد ارتباط و پارتی بر خلاف قوانین نبوده و موجب تضییع حقوق دیگران نشود، اشکال شرعی ندارد. هر کارفرما و مسئولی می‌خواهد از افرادی که از آنها شناخت دارد، استفاده کند و یکی از راه‌های شناخت توجه به توصیه‌های دیگران و استفاده از افرادی است که آشنایان سفارش می‌کنند و در این حد طبیعی است و مانعی ندارد؛ اما گاهی این توصیه‌ها منجر به این می‌شود که خدای نخواستند حقی ضایع شود، به عنوان مثال، دیگری شرایط را داشته و ویژگی‌های بهتری برای این کار دارد؛ اما به خاطر پارتی از کسی استفاده شود که لیاقت و کارایی کامل را ندارد. در این صورت، اقدام برای این کار چه برای کارفرما و چه برای متقاضی کار، از لحاظ شرعی جایز نیست. (

<http://aghigh.ir/>

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی می‌گوید: «پارتی‌بازی و خلاف مقررات جمهوری اسلامی عمل کردن و تبعیض، چون باعث تضییع حق دیگران می‌شود، حرام است. به علاوه این گونه کارها باعث مخدوش شدن وجهه نظام می‌شود، و این گناه است. بنابراین از پارتی‌بازی باید خودداری شود تا حق دیگران ضایع نشود و آبروی نظام اسلامی مخدوش نگردد. اما پولی که بابت کار می‌گیرند اگر به وظایف کاری و قراردادشان عمل کنند، حلال است» (لنکرانی، ۱۴۲۷: ۱/۶۲۸).

حضرت آیت الله مکارم شیرازی می‌گوید: پارتی‌بازی، یعنی وساطت برای پیشرفت کار بر خلاف قانون جایز نیست و حقوقی را که باین کار می‌گیرند اشکال دارد، ولی چنانچه این کار در حد معرفی باشد و فرد بقیه مراحل را طبق مقررات و شرایط قانونی طی کند و باعث تضییع حقوق دیگران نشود اشکالی ندارد (آیت الله مکارم پایگاه اطلاع رسانی به آدرس:

۴. حکم وضعی رانت خواری

همان‌گونه که اعمال تبعیض در فرصت‌های اقتصادی، به دست آمده از قدرت و موقعیت‌های اجتماعی حرام دانسته شده است، کسانی که از این طریق، به کسب اموال پرداخته باشند، دارایی‌های حاصل از این نوع کسب، باید عودت داده شود؛ زیرا چنین کسبی، از مصادیق اکل مال به باطل و از مکاسب محرمه به حساب می‌آید و چنین درآمدی به تملک مسلمانان در نمی‌آید، حتی کسانی که به رانت خواران در این زمینه مساعدت کرده باشند و با اطلاع از اسرار و فرصت‌های اقتصادی آن‌را در اختیاری رانت خوران قرار داده باشند، مرتکب حرام گردیده‌اند.

در این صورت، بدان سبب که مالک مشخصی را برای این اموال نمی‌توان در نظر گرفت، اموال مذکور به تملک دولت اسلامی در می‌آید، تا دولت اسلامی با استفاده از آن اموال فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای عموم ایجاد کند یا در رفاه عموم یا سایر مواردی که خرج کردن بیت المال در آنها جایز است، استفاده کند. در هر کجا که بحث معامله و نقل و انتقال مال و منفعت مادی باشد و یا هر جا در صحت عقدی شک کنیم مرجع اصل فساد است «الاصالة الفساد فی العقود» که بازگشت آن به اصل عدم نقل و انتقال و اصل عدم جواز تصرف در اموال غیر است. مگر عموماتی داشته باشیم که دال بر صحت و حلیت تصرف داشته باشد که آن حرف دیگری است و باید به بررسی آن پرداخته شود. طرح این دو عنوان بدین خاطر است که در بحث رانت، برخی از اقسام آن فقط بحث تکلیفی در میان است، نه نقل و انتقال و معامله و نه کسب سود و منفعت مادی مثل برخی از رانت‌های سیاسی و اجتماعی و قضائی و برخی علاوه بر زد و بند که بحث تکلیفی دارد، انتقال سرمایه و معامله و کسب سود و منفعت مادی مطرح است که جنبه حکم وضعی هم مطرح می‌گردد مانند رانت‌های اقتصادی و قضائی در تیره مالی افراد.

برای کسی که از رانت استفاده می‌کند و به ی سرمایه‌ای می‌رسد از باب ظلم و تصرف در مال غیر و تجاوز به حدود دیگران، تصرف وی در آن مال حرام، ممنوع و باطل است؛ بلکه برای کسی که معاونت بر این کار دارد احياناً رانت را در اختیار این افراد قرار می‌دهد تا از آن استفاده کنند، نیز حرام است، زیرا هر دو مصداق ظلم و همکاری باظالم است؛ لذا هر دو مشمول حکم حرمت ظلم می‌گردد و مصداق از عنوان عام ظلم می‌باشد. در نتیجه حکم ممنوعیت

شامل آن می‌گردد. درآمدهای حاصل از رانت، درآمدهای غیر مشروع و غیر قانونی‌اند و باید به صاحبان آنها برگردانده شود چراکه برخلاف نظم عمومی و مصالح جامعه است و نتیجتاً تصرفاتی که در آن انجام می‌گیرد موجب اختلال نظام، هرج و مرج، رواج زد و بندهای نامتعارف، تضعیف بخش خصوصی، بی‌عدالتی و همچنین خسارات قابل توجه اجتماعی و باعث فاسد کردن ساختار حکومت و امنیت کشورها و بسیاری آثار و پی‌آمدهای دیگر در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

براساس کبرای کلی حرمت اختلال نظام و امور معیشتی و اجتماعی یا وجوب حفظ نظام اسلامی، رانت‌خواری ممنوع است و باید جلوی آن گرفته شود. طبق ادله که در حرمت رانت بیان گردید، می‌تواند مصداق اکل مال به باطل باشد، گیرنده و کسی که از طریق چنین سوء استفاده‌ها، مالی را تصاحب می‌کند در قبال آن ضامن خواهد بود. هرنوع مالی که از ظلم کردن بر دیگران و ضایع کردن حق آنها به‌دست بیاید، بدون شک استردادش به عنوان جبران عمل‌کرد لازم خواهد بود.

۵. نتیجه

رانت‌خواری، سودجویی و بهره‌گیری از برخی امتیازهای ویژه، هیچ‌گونه ارتباطی با شایستگی‌های ذاتی و استعدادهای فردی ندارد و می‌تواند آسیب‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی برای کشورها به‌وجود آورد. رانت در تمام زمینه‌ها اعم از اقتصاد، سیاست، قضاوت و... مانند ویروسی عمل می‌کند و می‌تواند پایه‌های اصلی یک نظام را ضعیف و یا به نا‌بودی بکشاند.

در ادبیات سیاسی، شرایطی که امتیاز یا انحصار خاصی برای تولیدکننده خاصی در نظر گرفته می‌شود که دیگران نمی‌توانند از آن بهره‌مند باشند، عرضه آن محصول محدود خواهد بود و در نتیجه افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش یافته و رانت اقتصادی را نصیب آن تولیدکننده می‌کند. پدیده رانت دارای گستره وسیع و مباحث دقیق است، اما آنچه در این نوشتار، به آن پرداخته شده است، حرمت رانت مطابق آیات، روایات و نظریات فقه‌های شیعه اثبات گردید. خلاصه استدلال به این شکل است:

صغراً: به نظر عرف، رانت امری باطل است؛

کبراً: هر تصرفی که از نگاه عقل و عرف باطل باشد، شرعاً حرام است؛

نتیجه: تصرف در مال و منافی که از راه رانت به دست می‌آید، حرام است.
بنابراین کسب مال با استفاده از هر نوع رانت که صورت گرفته باشد نافذ نیست بلکه غیر مشروع و اکل مال به باطل است و استرداد آن به صاحب حق لازم است.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: جامعه مدرسین.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۰ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.

احمدی، محمد باقر، (۱۳۸۴)، *رابطه‌ی دین با حکومت*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.

اخوان کاظمی، بهرام، *نظارت بیرونی در نظام‌های سیاسی، حکومت اسلامی* سال نهم، شماره سوم.

افشاری، غلام حسین (۱۳۸۷)، *فرهنگ فارسی واژگان و اعلام*، فرهنگ معاصر، چاپ اول.

اندلسی، ابن حزم (۴۵۸ه ق) *جمهره‌ی انساب العرب*، دارالکتب العلمیه، لبنان بیروت، چاپ دوم.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، *کتاب المکاسب*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چاپ اول.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق=۱۳۷۷ش)، *فرائد الاصول*، مجمع الفکر الاسلامی قم، چاپ سوم.

انوری، حسن، (۱۳۸۲ش) *فرهنگ فشرده سخن*، انتشارات سخن تهران، چاپ دوم.

آخوندخراسانی، محمدکاظم (قم ۱۴۰۹ه ق)، *کفایه الاصول*، موسسه آل البيت، چاپ دوم.

بروجردی، آقا حسین طباطبایی (بی تا) *منابع فقه شیعه*، ترجمه حسینیان قمی و مهدی صبوری

بیانات مقام معظم رهبری (۱۳۷۹/۹/۱۲) دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.

بیابانی، غلامحسین وسید کمال هادیانفر (۱۳۸۴) *فرهنگ توصیفی علوم جنایی*، نشر تأویل.

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله مکارم، سلسله نشست های تفسیر موضوعی قرآن کریم،

<http://makarem.ir/main> .۲۴/۰۴/۱۳۹۲

جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی (۱۴۰۴ هـ ق)، *تفسیر شاهی*، انتشارات نوید، تهران، چاپ اول.
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸) *ترمینولوژی حقوق*، ناشر گنج دانش، چاپ چهارم.
چاپ اول.

حرانی، ابن شعبه، (۱۴۱۸) *تحف العقول*، مؤسسة الاعلمی بیروت، چاپ اول.
حسینی تویسرکانی، میرزا عبد الغفار، *رسالة فی الغناء*، قم: نشر مرصاد، چاپ اول،
حسینی عاملی، جواد بن محمد، (۱۴۱۸ ق) *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*، قم:
دفتر انتشارات اسلامی.

خبرگزاری جمهوری اسلام، ۱۳۹۲/۸/۵، کدخبر ۸۰۸۷۶۴۵۳ و *فصلنامه دانش انتظامی گلستان*،
ص ۴، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۱۳؛ صادقیان، غلامرضا. رانت خواران در کمین
فرصت‌های انحصاری. کیهان، ۱۳۷۹/۵/۱۶

خضری، محمد، (۱۳۸۳) *تحلیل اقتصادی رانت جویی در بودجه‌ریزی ...*، پایان‌نامه دکتری،
رشته اقتصاد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

روزنامه دنیایی اقتصاد، ۱۳۹۵/۵/۲۰، شماره ۳۸۳۴، نویسنده حسن سبزواری؛ واژه‌نامه
اقتصاد پنهان. معاونت پژوهشی آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز
ریاست جمهوری، ص ۶۸، ۱۳۸۸.

زنجانی، عمید عباسعلی، (بی تا) *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مجد، چاپ
اول.

سبزواری، عبد الأعلى، (۱۴۱۳ق) *مهذب الأحكام*، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم،
شیرازی، *مکارم، تفسیر نمونه* (بی‌تا) دارالکتب الاسلامیه تهران، چاپ سوم.
صبوری، منوچهر، (۱۳۷۷) *جامعه شناسی آنتونی گیدنز*، نشر نی، تهران، چاپ اول.
طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

طیب، عبد الحسین (۱۳۷۸ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، انتشارات اسلام، تهران، چاپ اول.
عمید، حسن، (۱۳۶۳) *فرهنگ عمید*، امید کبیر تهران، چاپ دوم
فاضل موحدی لنگرانی، محمد، (۱۴۲۷ ق) *تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة -
المکاسب المحرمه*، قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار (ع)، چاپ اول.

فیومی، احمد بن محمد مقرئ، (۱۴۱۴ق) *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، مؤسسه دارالهجرة، قم، چاپ دوم، چاپ دوم.

مدیری، احمد، (۱۳۷۳) *عدم تقارن اطلاعات منبع رانت، راهبرد، پائیز، شماره ۴*
مرآت نیا، منصوره، (۱۳۷۹) *رانت اقتصادی (بهره مالکانه) در طرح توسعه شهری*، (مدیریت شهری) شماره ۱،

منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۰۹ هـ ق) *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه محمود صلواتی و ابوالشکوری، مؤسسه کیهان قم، چاپ دوم.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۳ هـ ق). *المیزان فی التفسیر القرآن*، انتشارات اسماعیلیان، قم.

نجاشی احمد، احمد بن علی، (۱۴۰۰ق). *رجال نجاشی*، جامع مدرسین قم.

یوسفی نژاد، علی، *رانت خواهی و فساد مالی در اقتصاد ایران با توجه به نقش و جایگاهی کارگزاران و بیت المال در اسلام*، مجله دانشکده علوم انسانی مصباح، مرداد و شهریور ۱۳۸۵، شماره ۶۴، ص ۱۵۳.

حرمت رانت در
فقه شیعه